

چالش‌های تعیین عناوین مجرمانه اقتصادی در حقوق جزای افغانستان

مهدی قائمی^۱

چکیده

در قوانین جزایی افغانستان گرچه نام تحت عنوان «جرائم اقتصادی» دیده نمی‌شود و طبعاً تعریفی از آن هم ارائه نگردیده، ولی برخی از مهمترین مصادیق آن جرم‌انگاری شده و قانونگذار این کشور برای آن‌ها ضمانت اجرایی را نیز تعیین کرده است. در کود جزای ۱۳۹۶ ضمن توصیف جرائم، به تعیین عناوین مجرمانه در هر ماده نیز پرداخته شده است. با این وجود، قانون جزای جدید در تعیین عناوین مجرمانه به طور کل و جرائم اقتصادی به طور خاص خالی از ایراد نبوده و نیازمند بررسی است. در این تحقیق علاوه بر توصیف برخی از مهم‌ترین جرائم اقتصادی مانند رشاء و ارتشا، احتکار و پول‌ویی، به بررسی چالش‌های عناوین مجرمانه جرائم یادشده نیز در حقوق جزای افغانستان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جرائم اقتصادی، حقوق جزای افغانستان، رشاء و ارتشا، پول‌شویی، احتکار.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

وجود نظام‌های مختلف اقتصادی سبب شده تا رفتارهای مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به فراخور زمان و مکان‌های مختلف، واکنش اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد. این چندگانگی در عرصه اقتصاد و واکنش‌های اجتماع، ارائه تعریف از جرم اقتصادی را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر ارائه تعریف، حصر مصادیق و به تبع آن، دشواری در حصول اهداف پیشگیرانه قانون‌گذار را موجب می‌شود. لذا به جای تعریف، تبیین و توصیف معیارها و ضوابط می‌تواند راهگشا باشد. از این رو در ضابطه جرم شناختی و اقتصادی به تفسیر مورد بررسی واقع شده است. در پرتو ضابطه اقتصادی و با ملاحظه ضابطه جرم شناختی، می‌توان در تعیین عناوین مجرمانه اقتصادی گامی به جلو برداشت.

در قوانین کشور افغانستان هرچند تعریف از جرائم اقتصادی ارائه نشده است، اما قانونگذار افغانستان در کود جزا علاوه بر جرم انگاری برخی از مصادیق آن، به تعیین عناوین مجرمانه نیز پرداخته است. ممکن است جرم انگاری پاره‌ای از فعالیت‌ها بدون تعیین ضابطه مؤثر، انگیزه سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی را از بین ببرد. چه بسا بیان مصادیق ممکن است موجب مصونیت بسیاری از مرتکبان جرائم اقتصادی با تکیه بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها شود. ولی از آنجا که اکثر بزه‌کاری‌های اقتصادی در پوشش فعالیت‌های قانونی و به ظاهر مشروع صورت می‌گیرد، غفلت از نتیجه مجرمانه و توجه بیشتر به مبنا و منشأ عمل شخص، جامعه را از کیفردهی و اجرای عدالت باز می‌دارد. بنابراین، منفعت اجتماعی ایجاب می‌کند تا ضمن حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق مردم به فعالیت‌های اقتصادی و حفظ امنیت و ثبات اقتصادی، با اتخاذ سیاست‌های کیفری مناسب در خصوص جرم انگاری در حوزه اقتصاد در سطح خرد و کلان، رشد و بالندگی جامعه نیز در نظر گرفته شود (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۶).

شایان ذکر است علی‌رغم وجود قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی مبنی بر جرم انگاری برخی از فعالیت‌های اقتصادی، جرائم اقتصادی در کلیه کشورها به



خصوص در افغانستان افزایش روز افزون داشته است. این امر موجب تداعی سؤالات اساسی به ذهن می‌گردد که نبود یک تعریف مشخص از جرائم اقتصادی در قوانین افغانستان و وجود ابهام در برخی از عناوین مجرمانه اقتصادی، قضات افغانستان رسیدگی به این نوع جرائم با چه چالش‌های مواجه هستند؟ و آیا قانونگذار افغانستان حین توصیف این گونه جرائم، ضابطه و معیار مشخصی برای عنوان سازی در نظر گرفته است یا خیر؟ این تحقیق سعی دارد به روش علمی توصیفی ضمن استفاده از نظریات جرم‌شناسان و تحلیل‌های اقتصادی از جرائم مزبور به سؤالات فوق پاسخ دهد.

۱. توصیف جرم احتکار و چالش‌های آن در قانون منع احتکار و کود جزا

یکی از معضلات اقتصادی و جرائم علیه اموال و مالکیت، که در بیشتر حوزه‌های تولیدی رخنه کرده و باعث بحران اقتصادی در جهان گردیده است و با رشد روز افزون جوامع و صنعتی شدن آن‌ها در دو قرن اخیر آثار و عواقب دیگری به همراه داشته است، احتکار می‌باشد. چون احتکار موجب برهم زدن نظم اقتصادی جامعه می‌گردد، از دیر باز مورد توجه دولت‌مردان بوده و به منظور مقابله با آن مقررات شدیدی را پیش بینی کرده‌اند. چنانچه تاریخ جوامع بشری مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که جوامع مختلف با این معضل مواجه بوده‌اند و راهکارهای مختلفی برای برخورد با آن ارائه نموده‌اند. در واقع احتکار نه تنها نوعی پایمال کردن حق افراد است، بلکه بر اثر نبود یا کمبود کالا در بازار، موجب می‌شود که چرخه اقتصادی جوامع را به شدت تحت تأثیر قرار داده و آن را از حرکت باز دارد (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷: ۱۱).

۱-۱. رکن قانونی

در خصوص احتکار و این که چه کالاهایی مشمول احتکار می‌شود، بین علما اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای احتکار را محدود به آذوقه و قوت مردم می‌دانند و عده‌ای دیگر نیازهای مردمی را اعم از خوردنی و آشامیدنی و پوشیدنی، سوخت و دارو

را مشمول احتکار دانسته‌اند. اما قانونگذار افغانستان در ماده ۸۰۰ کود جزا احتکار را پنهان نمودن مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه مردم دانسته و چنین بیان می‌دارد: «شخصی که به مقصد سودجویی بیشتر یا فروش به نرخ بلندتر از قیمت رقابتی، مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه را پنهان کند یا از عرضه مواد مذکور امتناع ورزد یا مانع عرضه آن توسط سایر اشخاص گردد، مشروط بر اینکه مواد احتکار شده منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود، مرتکب جرم احتکار شناخته شده مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد».

۲-۱. رکن مادی

طوری که ملاحظه می‌گردد قانونگذار افغانستان برای معرفی شخصیت مرتکب جرم، با به کار بردن لفظ «شخصی» حکم این ماده قانونی را تعمیم داده و اشخاص حقیقی و حقوقی را مشمول این حکم قرار داده است. چنانچه در فقره ۴ ماده ۲ قانون منع احتکار نیز محتکر را اعم از شخص حقیقی و حکمی می‌داند که مواد اولیه بیش از مقدار مجاز را پنهان و یا از عرضه آن خودداری نماید. بنابراین عمل مرتکب، فعل مثبت خارجی است که در صورت پنهان کردن مواد اولیه ارتزاقی و یا امتناع از عرضه مواد مذکور در بازار به قصد سودجویی، تجلی می‌یابد. بدین ترتیب احتکار زمانی جرم است که مواد احتکار شده منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود؛ وگرنه در موارد فراوانی با نگهداری کالا از اتلاف مال جلوگیری به عمل می‌آید که در این صورت نه تنها جرم نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلانی است. طبق فقره ۲ ماده ۸۰۰ قانون جزای جدید و فقره ۱ ماده ۲ قانون منع احتکار، مواد اولیه مصرفی و ارتزاقی مورد نیاز عامه عبارت از گندم، آرد، برنج، شکر، روغن‌های غذایی و مواد محروقاتی نفتی و گاز مایع می‌باشد. هر چند قانونگذار افغانستان در این ماده‌های قانونی تنها به موارد ذکر شده در فقه اسلامی اکتفا نکرده بلکه مواد محروقاتی نفتی و گاز مایع را به آن افزوده است، اما به نظر می‌رسد که منحصر کردن مواد ضروری و مورد نیاز عامه را به موارد ذکر شده در قانون درست نیست؛ بلکه بهتر بود قانونگذار تمام نیازمندی‌های اساسی مردم را اعم از خوردنی، آشامیدنی،



پوشاکی، سوخت، دارو و مسکن را که برای مصرف جامعه ضرورت دارد مشمول این حکم می‌کرد. و در صورتی که شخصی اعم از حقیقی و یا حقوقی به قصد سودجویی مبادرت به پنهان کردن و یا امتناع از عرضه آنها در بازار می‌نمود به حیث محکر با او برخورد می‌شد و مجازات می‌گردید. به طور مثال دارو یکی از نیازمندی‌های اساسی جامعه است، و در صورتی تبانی چند شخص حقیقی و یا حقوقی بر عدم عرضه آنها در بازار و ایجاد کمبودهای ساختگی، قیمت آن در داروخانه‌ها افزایش یافته و مردم در مضیقه قرار می‌گیرند. بنابراین دارو یکی از نیازمندی‌های اساسی است که از احتکار آن مردم و جامعه زیان می‌بینند. مقتضای ادله نفی حرج و نفی ضرر که در فقه مطرح است آن است که این مورد نیز از مصادیق احتکار به حساب آمده و تحت عنوان احتکار نیازمندی‌های عمومی جرم انگاری گردد.

۲. توصیف جرم رشاء و ارتشا و چالش‌های آن در حقوق جزای افغانستان

از آن جایی که جرائم و مفاسد اقتصادی پیامدهای ناگواری از جمله کند کردن حرکت توسعه کشور، افزایش هزینه زندگی مردم و تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت و اتلاف منابع مالی را در بر دارد، مبارزه با این گونه جرائم دغدغه جدی بسیاری از کشورها شده است (نظری نژاد و اسفندیاری فر، ۱۳۹۵: ۱۹۲). امروزه محل وقوع فساد و جرائم اقتصادی گاه از حوزه قضایی محل، ایالت و دولت فراتر می‌رود (مارسل پارووانی، ۱۳۶۹: ۲۳۸). بر این مبنا یکی از ویژگی‌های این جرائم، عدم محدودیت جغرافیایی و زمانی است و این پدیده مرزهای زمان و مکان را در نوردیده است (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰). از این رو مبارزه علیه این جرائم به صورت بین‌المللی انجام می‌پذیرد.

کشور افغانستان نیز یکی از کشورهایی است که علی‌رغم موجودیت قوانین در امر مبارزه با فساد، وقوع و ارتکاب این گونه جرائم در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد. این نشان می‌دهد که وجود قوانینی هرچند به روز و کارآمد، در امر مبارزه با فساد تنها کافی نیست، بلکه تطبیق و اجرای مساویانه آن بر همه اتباع کشور و وجود افراد متخصص، نقش مهمی را در این راستا ایفا می‌کند. در قوانین جزایی داخلی افغانستان

از جمله در کود جزا به جرم رشوه در سطح بین‌المللی اشاره گردیده و در فقره ۱ ماده ۳۷۰ این قانون چنین بیان شده است: «هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا موسسه‌ای غیر دولتی یا موظف موسسه خصوصی که فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا تجارتي یا سایر خدمات عامه را انجام می‌دهد، به منظور اجراء یا امتناع از وظیفه‌ای که به آن مکلف است یا به منظور احراز یا حفظ موقف مشخص به اسم خود یا شخص یا نهاد دیگری به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، پول، مال یا منفعت نامشروع را اخذ، طلب یا وعده پرداخت آن را بگیرد یا به عنوان بخشش آن را قبول کند یا شخصی به مقصد متذکره پول، مال یا منفعت نامشروع را به شکل مستقیم یا غیر مستقیم به اشخاص مذکور پیشکش نماید یا وعده پرداخت آن را بدهد، عمل مذکور رشوت شناخته می‌شود».

۱-۲. عنصر مادی

طوری که ملاحظه می‌شود قانونگذار افغانستان به تأسی از مواد ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶، ۱۷ و ۲۳ کنوانسیون بین‌المللی مریدا به جرم انگاری ارتشای مقامات دولتی ملی و ارتشای مقامات دولتی خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی که ضروری‌ترین و مهم‌ترین بخش اقدامات جهانی و هماهنگی مقابله با فساد را تشکیل می‌دهد، پرداخته است. قانونگذار افغانستان نوآوری که در این ماده قانونی به خرج داده است دامنه شمول جرم رشوت را گسترش داده کلیه موظفین خدمات عامه را اعم از موظفین دولت خارجی، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات غیر دولتی و خصوصی که فعالیت‌های اقتصادی، مالی و تجارتي را انجام می‌دهند، مشمول این حکم دانسته و آن‌ها را تحت عنوان رشوت دهنده و رشوت گیرنده قابل مجازات دانسته است. این در حالی است که بعضی از کشورهای عضو کنوانسیون مریدا که تجارب زیادی در امر مبارزه با فساد دارد، در تحقق ارتشا افرادی را که مأمور دولتی تلقی نمی‌شوند از دامنه شمول این جرم خارج دانسته و تحت این عنوان قابل مجازات نمی‌دانند. اگر فلسفه جرم انگاری ارتشاء را طوری که بعضی از محققین نوشته‌اند تأمین سلامت



اداری و تأمین سلامت دستگاه‌های اداری و تأمین اعتماد عمومی به دولت بدانیم^۱ و با عنایت به اینکه اقتصاد افغانستان دولتی نیست و بسیاری از وظایف و خدمات عامه به سکتورهای خصوصی واگذار شده است، ضرورت ایجاب می‌کند که با هر گونه فساد و تباهی در این بخش‌ها نیز مبارزه شده و از سوی قانونگذار مورد حمایت کیفری قرار گیرد.

۲-۲. شرایط لازمه تحقق جرم رشوه

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرم رشوه در حقوق افغانستان عبارت است از اخذ، طلب یا قبول وعده پرداخت پول، مال یا منفعت نامشروع توسط یکی از موظفین خدمات عامه مذکور در این ماده می‌باشد. نکته قابل توجه این است که قانونگذار تنها به اخذ پول، مال یا منفعت نامشروع در تحقق این جرم اکتفا نکرده است، بلکه قبول پیشنهاد یا وعده پرداخت یکی از وجوه مذکور در این ماده را نیز جرم‌انگاری کرده است. استاندارد بین‌المللی نیز بسیار وسیع است چنانچه که مواد ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون مریدا از «درخواست یا قبول امتیاز ناروا» سخن به میان می‌آورد. و همین‌طور پیشکش نمودن یا وعده پرداخت پول، مال یا منفعت نامشروع به شکل مستقیم یا غیر مستقیم به یکی از موظفین خدمات عامه مذکور در ماده ۳۷۰ این قانون، از شرایط لازمه تحقق جرم رشوه در حقوق جزای افغانستان به شمار می‌رود. بر این اساس صرف با ارائه پیشنهاد حتی اگر موظف خدمات عامه آن را نپذیرد مطابق این ماده، جرم رشوه محقق خواهد شد.

در حقوق جزای افغانستان پیشنهاد رشوه چه از سوی راشی و چه از سوی مرتشی صورت گیرد، مشمول مقررات کیفری قرار گرفته و نیازی به عمل فیزیکی اضافی مبنی بر دادن و گرفتن نیست. از ظاهر فقره ۱ ماده ۳۷۰ کود جزا چند نکته به دست می‌آید: نخست اینکه در تحقق جرم رشوه تنها پول و یا مال ملاک نیست. بلکه هر نوع منفعت نامشروع و یا امتیاز ناروا این جرم را محقق می‌سازد. چنانچه فقره ۲ ماده

۱. ر.ک. به علی یزدانیان، بررسی فقهی حقوقی رشوه در حقوق کیفری ایران، قابل دسترس در:

pdf.۱۶۳/isc.irindexing.ir/editor/fileman/Uploads/ichm

۳۷۱ کود جزا مقرر می‌دارد: «هرگاه وجه رشوت پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد». این که پول و یا مال چه مبلغ و یا مقدار باشد این فراز از قانون، از بیان تعیین حداقل آن ساکت است اما در عرف عقلا مال آن چیزی است که در ازای آن پول پرداخت شود. دوم اینکه وجه رشوت باید به منظور اجراء یا امتناع از وظیفه‌ای که به آن مکلف است توسط موظفین خدمات عامه اخذ، طلب یا قبول گردد. بنابراین صرف دادن مبلغی به عنوان انعام بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از آن رشوه محسوب نمی‌گردد. سوم اینکه قانون‌گذار در این ماده قانونی، پیشکش منفعت نامشروع و یا قبول آن را جرم رشوه تلقی نموده و مرتکب آن را مطابق مقررات کیفری این جرم قابل مجازات دانسته است. نکته قابل توجه این که کلمه «منفعت نامشروع» در این فقره کمی مبهم به نظر می‌رسد و معلوم نیست که قاضی رسیدگی کننده به این جرم حین رسیدگی چه رویه را در پیش می‌گیرد. به هر صورت اگر منظور قانونگذار از منفعت هر نوع امتیاز خلاف قانون و بی مورد باشد، کلیه امتیازات غیر مادی از قبیل ورود به مدرسه، دانشگاه و ... مشمول این ماده قانونی خواهد بود. و نکته آخر این که فرقی نمی‌کند که درخواست رشوت برای خود شخص باشد و یا برای شخص و یا نهاد دیگری. همچنین فرقی نمی‌کند که وجه رشوت را به صورت مستقیم دریافت کند یا با واسطه در تمام موارد یادشده جرم رشوه قابل تحقق است.

۲-۳. رکن روانی

نکته مهم در این خصوص این است که گیرنده وجه یا مال باید با علم و آگاهی و سوءنیت، اقدام به گرفتن وجه یا مال کند. در واقع، گیرنده می‌داند که از مقام و موقعیت خود سوءاستفاده می‌کند و با علم به این که در مقام تخلف و سوءاستفاده است، مبادرت به عمل می‌نماید. با توجه به این عنصر، در صورتی که گیرنده رشوت به عنوان قرض الحسنه، هبه یا صلح مالی را از کسی بگیرد و بعداً مشخص شود که منظور دهنده مال رشوه بوده است، نظر به نبود عنصر معنوی، در مورد شخص گیرنده، جرم ارتشا تحقق نخواهد یافت. چنانچه در فقره ۱ ماده ۳۷۰ کود جزا همین



رویه پذیرفته شده است و تصریح می‌دارد: «به منظور اجراء یا امتناع از وظیفه‌ای که به آن مکلف است ... پول، مال یا منفعت نامشروع را اخذ، طلب یا وعده پرداخت آن را بگیرد یا به عنوان بخشش آن را قبول کند...». و همینطور در مورد شخص دهنده رشوت وجود قصد مجرمانه حین ارتکاب برای تحقق جرم لازم است. چنانچه در همین فقره فوق الذکر این مسأله تصریح شده است و آمده است: «... یا شخصی به مقصد متذکره پول، مال یا منفعت نامشروع را ... پیشکش نماید یا وعده پرداخت آن را بدهد، عمل مذکور رشوت شناخته می‌شود».

همان‌طوری که یادآوری شد در حقوق جزای افغانستان برای تحقق جرم ارتشا اخذ وجه یا مال لازم دانسته نشده است. به عبارت دیگر جرم رشوه یک جرم مطلق است، بهره‌مندی از مال رشوه دهنده شرط تحقق این جرم به حساب نمی‌آید.

۴-۲. مجازات جرم رشوه

نقش تنبیه و تشویق در امر مبارزه با فساد اهمیت زیاد دارد، به طوری که باعث دلگرمی افراد صالح و کارآمد می‌شود و از طرفی، ترس و نگرانی فاسدان را در پی خواهد داشت (بخشی، ۱۳۹۱). اما قبل از ورود به بحث مجازات این جرم، لازم است این سؤال پاسخ داده شود که آیا رشوه دادن و رشوه گرفتن یک جرم و مشمول عنوان رشوه هستند یا دو جرم متفاوت و متعددند؟ اگر جرم واحدی باشند، طبق قاعده اقتضاء دارد که مجازات آنها مثل هم باشد و بر این اساس هرگونه عمل تبرئه کننده (عوامل موجهه جرم) که پدید آید عنوان مجرمانه را از عمل هر دو می‌زداید. و اگر عمل رشوه مشتمل بر دو جرم جدا از هم باشد، یکی رشوه دادن و دیگری رشوه گرفتن، معنای این تفکیک آن است هر یک از دو جرم بدون نیاز به اثبات وجود هر رابطه‌ای میان آنها و مستقل از یکدیگر، خواه از حیث اوصاف جرم و خواه از نظر مجازات، مستحق مجازات است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹).

به نظر می‌رسد که در حقوق جزای افغانستان نظر دوم پذیرفته شده باشد. قانونگذار افغانستان در کود جزا برای هریک از جرائم مذکور احکام خاصی را وضع کرده است. مجازات جرم رشوه گیرنده را در بندهای ۱ الی ۶ فقره یک ماده ۳۷۱، و مجازات رشوه

دهنده را در بند ۱ الی ۶ فقره یک ماده ۳۷۲ پیش‌بینی نموده است.

از آنجا که رشوه از اقسام جرائم اقتصادی است، بر همین اساس مجازات‌های تعیین شده برای جرائم اقتصادی نسبتاً شدید و عموماً با توجه به هدف مرتکبان از ارتکاب این جرائم، و در کنوانسیون‌ها و معاهدات مختلف این موضوع به وضوح قابل مشاهده است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹۸). قانونگذار افغانستان با در نظر داشت کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون مریدا مجازات‌های مالی و غیر مالی را برای این جرم پیش‌بینی کرده است. با توجه به این که رشوه دهنده از طریق دادن رشوه به دنبال کسب امتیاز است و رشوه گیرنده از راه فروش تکالیف قانونی خود به دنبال کسب پول و منفعت است، باید مجازات‌های هریک نیز متناسب با آن تعیین گردد. در کود جزای افغانستان برای رشوه دهنده با توجه به میزان وجه رشوه، علاوه بر مصادره مال الرشوه، مجازات‌های نقدی و حبس پیش‌بینی شده است. چنانچه در ماده ۳۷۲ این قانون، مجازات رشوه‌دهنده تا میزان بیست هزار افغانی، جزای نقدی از پنج تا ده برابر وجه رشوه، و بیشتر از بیست هزار افغانی، حسب احوال، مجازات حبس در نظر گرفته شده است. اما در مورد رشوه‌گیرنده از آن جهت که این شخص در مقام سوء استفاده از مقام و موقعیت خود است، قانونگذار در ماده ۳۷۱ کود جزا تنها مجازات‌های حبس را حسب احوال برای آن مقرر کرده است. البته که نقش رشوه‌گیرنده در تحقق این جرم غیر قابل انکار است و طبعاً مجازات‌های سنگین‌تری را اقتضا دارد اما با این وجود، نقش ضمانت اجرای غیر کیفری یعنی جزای نقدی را با توجه به قصد رشوه‌گیرنده، در بازدارندگی از این جرم نباید از نظر دور داشت.

۳. توصیف جرم پول‌شویی و چالش‌های آن در حقوق جزای افغانستان

یکی از زیانبارترین جرایمی که آسیب‌های جبران ناپذیر اقتصادی و سیاسی را بر دولت‌ها وارد می‌سازد، تطهیر درآمدهای نامشروع و غیر قانونی است. این جرم علاوه بر اینکه بنیان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها را به خطر می‌اندازد، آن‌ها را در عرصه‌های مختلف بین‌المللی نیز بی اعتبار می‌سازد. برای پیش‌گیری از آثار مخرب و منفی این پدیده بر ثبات و سلامت نظام مالی دولت‌ها، اتخاذ تدابیر ویژه



در راستای سیاست جنایی تقنینی مؤثر و همکاری بین کشورهای مختلف بخصوص همکاری‌های قضایی در رویارویی با این گونه جرائم که عمدتاً از جرائم سازمان یافته‌اند، امری کاملاً ضروری و اجتناب ناپذیر شده است.

از آن جا که کشور افغانستان همواره مورد سوءاستفاده پول‌شویان و سایر مجرمان سازمان یافته ملی و بین‌المللی قرار گرفته‌اند، اتخاذ تدابیر کلان، در سطح سیاست جنایی کشور از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با این پدیده است که بایستی در نظر گرفته شود. از جمله اقداماتی که صورت گرفته در این کشور، تصویب قانون جلوگیری از پول‌شویی و عواید ناشی از جرائم است که در سال ۱۳۹۳ به تصویب شورای ملی رسید. یکی از امتیازات این قانون نسبت به قوانین گذشته، تعیین عناوین مجرمانه این جرم در هر ماده از مواد این قانون است. در این قانون سعی قانونگذار بر این بوده است تا علاوه بر توصیف و تبیین موارد مختلف این جرم، به تعیین عناوین مجرمانه و تصریح آن نیز بپردازد.

برای این که عمل پول‌شویی همانند سایر عناوین مجرمانه جرم شناخته شود، مواردی از قانون باید این عمل را ممنوع کرده و برای مرتکب آن ضمانت اجرای مناسب تعیین کرده باشد (عنصر قانونی) و اضافه بر آن به توصیف رفتار مجرمانه پرداخته (عنصر مادی) و به بیان فکر و اندیشه مجرمانه و نقش عمد یا خطا در ارتکاب جرم (عنصر روانی) بپردازد. در این قسمت از تحقیق به چگونگی توصیف این عناصر سه‌گانه جرم پول‌شویی در حقوق جزای افغانستان پرداخته می‌شود.

۱-۳. رکن مادی

در افغانستان فقره ۱ ماده ۴ قانون پول‌شویی این کشور که در فوق ذکر شد، مصداق‌های مختلف عنصر مادی جرم پول‌شویی را مورد توجه قرار داده و آن را در چهار جزء مشخص بیان نموده است. مؤلفه‌های عنصر مادی این جرم در این ماده چنین توصیف و شمرده شده است:

الف) پنهان نمودن دارایی، تغییر منشأ جرمی وجوه و دارایی، مساعدت در فرار مظنون جرم اصلی: بر اساس این جزء، موضوع جرم پول‌شویی وجوه و دارایی است

که در جزء دو فقره ۱ ماده ۳ این قانون چنین تعریف شده است: «وجوه یا دارائی هر نوع دارائی مادی و غیر مادی، منقول و غیر منقول، عینی و غیر عینی، مشروع و غیر مشروع و اسناد یا وسایل به شمول الکترونیکی یا دیجیتلی است که مالکیت یا داشتن منافع در چنین وجوه یا دارائی‌ها را ثابت نموده و طور نامقید شامل حواله‌های پولی، سهام، اسناد بهادار، اوراق قرضه، برات یا اعتبارنامه، تکتانه، یا سایر درآمدها یا ارزش ناشی از چنین وجوه یا سایر دارائی‌ها می‌باشد».

قانونگذار افغانستان با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان-وین ۱۹۸۸ و کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی دسامبر ۲۰۰۰ پالرمو بخصوص توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی علیه پول‌شویی به تبیین اجزای رکن مادی جرم پول‌شویی و تعیین مصادیق آن پرداخته است. چنانچه تعریف فوق در مورد اموال و دارایی کاملاً مشابه همان تعریفی است که در ماده (۳-۱) الگوی قانون مقابله با پول‌شویی و حمایت مالی از تروریسم ملل متحد آمده است. «تغییر منشأ جرمی وجوه» همان تبدیل عواید به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن است. زیرا تبدیل مال نامشروع به مشروع، همراه با تغییر صورت می‌گیرد.

بنابراین کسی که مال نامشروع و عواید حاصل از جرم را تبدیل به مال مشروعی می‌کند؛ مثلاً وجه حاصل از فروش و یا قاچاق مواد مخدر را به سهام یا اوراق بهادار تبدیل می‌کند در حقیقت با این کار، منشأ جرمی وجوه را که غیر قانونی است تغییر داده و آن را قانونی و مشروع جلوه می‌دهد و این صورت طبق این ماده مشمول جرم پول‌شویی می‌شود.

نکته دیگری که در این جا قابل توجه به نظر می‌رسد «مساعدت در فرار مظنون جرم اصلی» است. قانونگذار افغانستان انجام هر گونه فعلی را که منجر به فرار مرتکب جرم اصلی گردد، آن را منع کرده و یکی از اجزای رکن مادی پول‌شویی قرار داده است. بر این اساس منظور از مساعدت در فرار مظنون جرم اصلی، تنها فرار فیزیکی مرتکب جرم منشأ و یا اصلی نیست که از یک جا به جای دیگر انتقال یابد؛



بلکه اگر کاری کند که از پیامدهای غیر قانونی و عواقب آن او را فراری دهد، بازهم طبق این فراز از قانون مشمول جرم پول‌شویی می‌شود. قانونگذار افغانستان به پیروی از سایر اسناد بین‌المللی «مساعدت در فرار» را مقید به مظنون جرم اصلی و مبناء نموده است. چنانچه بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته فراملی پالرمو چنین بیان می‌دارد: «... یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم مبنا مشارکت دارد برای فرار از عواقب قانونی اعمال خود». بنابراین به نظر می‌رسد کمک به مرتکب جرم پول‌شویی به منظور فرار از تبعات قانونی ارتکاب آن جرم، طبق این توصیف و بیان، مشمول این جرم در قانون پول‌شویی افغانستان قرار نگرفته است. این در حالی است که این مورد (مساعدت در فرار مظنون جرم اصلی) در در بند (ب) ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران این گونه آمده است: «تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی ... یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد». طبق این بند که «مرتکب» مطلق آورده شده است؛ کمک به مرتکب هم شامل مرتکب جرم منشأ اصلی و هم شامل مرتکب جرم پول‌شویی هردو می‌شود.

کسی که مظنون و یا مرتکب جرم را فراری می‌دهد و یا به نحوی با او کمک می‌کند تا او مشمول تبعات ارتکاب این جرم نگردد، عمل این شخص جرم تلقی گردیده و باید تحت تعقیب کیفری قرار گیرد. به عبارت دیگر قانونگذار افغانستان بایستی عمل مساعدت در فرار مظنون به جرم اصلی و جرم پول‌شویی را توأم جرم‌انگاری می‌کرد و آن را آن چنان که در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران گنجانیده شده است، جرم تلقی می‌کرد.

ب) اقدام به منظور پنهان نمودن، یا تغییر شکل دادن ماهیت واقعی، منبع، موقعیت یا انتقال حق مالکیت وجوه و دارایی: در این جا قانونگذار افغانستان، نه تنها پنهان نمودن ماهیت واقعی، منبع و موقعیت وجوه و دارایی را مشمول جرم پول‌شویی دانسته است، بلکه اقدام به پنهان نمودن این گونه موارد را که تنها فعل مثبت مادی و مقدماتی است نیز جرم تلقی نموده است. این در حالی است که در قانون پول‌شویی

بعضی کشورها که تجربه طولانی‌تر مبارزه با جرم پول‌شویی را دارد تنها عمل پنهان نمودن مشمول پول‌شویی قرار گرفته است نه اقدام به پنهان نمودن. تبدیل دارایی، عواید حاصل از جرم در اثر فرایند مرکب و پیچیده، تغییر شکل یا ماهیت پیدا می‌کند به گونه‌ای که مال از حالت اولیه خارج می‌شود و شکل جدیدی به خود می‌گیرد. مثلاً با استفاده از وجه حاصل از فروش مواد مخدر، ساختمان یا خودرو یا کشتی یا ... خریداری می‌شود، یا گندم ربوده شده به آرد تبدیل می‌شود یا طلای مسروقه، ذوب شده به جواهر مبدل می‌شود (موسوی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳۲). تمامی این موارد در نظام حقوقی افغانستان از مصادیق پول‌شویی به شمار رفته و مرتکب آن‌ها طبق قانون پول‌شویی این کشور قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

ج) اقدام به تحصیل، تصرف یا استفاده از وجوه و دارائی: در این جا نیز قانونگذار افغانستان علاوه بر این که تحصیل، تصرف یا استفاده از وجوه و دارایی حاصل از ارتکاب جرم را جرم دانسته است، حتی اقدام برای انجام این گونه موارد را نیز که صرفاً عملیات مقدماتی است جرم‌انگاری نموده است. البته با توجه به وضعیت کنونی افغانستان و این که فعالیت‌های پول‌شویی، آثار مخربی بر اقتصاد و اجتماع دارد و در درازمدت توسعه سیاسی را به چالش می‌کشانند، اتخاذ چنین سیاست جنایی سختگیرانه‌ای از سوی مقنن قابل توجیه به نظر می‌رسد. حتی در کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر معروف به کنوانسیون وین ۱۹۸۸ که اولین اقدام در راستای تدوین مقررات مبارزه با پول‌شویی از سوی کشورها و سازمان ملل به حساب می‌آید و هم چنین کنوانسیون سازمان ملل علیه جانیات سازمان یافته فراملی پالموکه موضوع آن جرائم سازمان یافته فرامرزی از قبیل پول‌شویی، فساد اداری و ... می‌باشد، تنها تحصیل، تصرف یا استفاده از اموالی که حاصل از منافع ناشی از جرم است، در این کنوانسیون‌ها جرم تلقی شده است و از دولت‌های عضو نیز خواسته شده است که این گونه اعمال را جرم‌انگاری نمایند. اما قانون‌گذار افغانستان ظاهراً در توصیف و تبیین مصادیق پول‌شویی فراتر از کنوانسیون‌های یادشده ملل متحد عمل نموده و آن‌ها را تعمیم داده تا دامنه وسیع‌تری از این فعالیت‌ها را شامل گردد.



این مسئله تفاوتی را در توصیف و احصاء مصادیق پول‌شویی بین نظام‌های حقوقی افغانستان با سایر کشورها از جمله ایران تا حدودی آشکار می‌سازد. بدین صورت که بر اساس جزء ۳ ماده ۴ قانون پول‌شویی افغانستان اقدام به تحصیل، تصرف یا استفاده از وجوه و دارایی حاصل از ارتکاب جرم جزو مصادیق پول‌شویی به حساب آمده است، در حالی که صرف اقدام کردن به این گونه اعمال، طبق هیچ یک از بندها در ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران مشمول جرم پول‌شویی قرار نمی‌گیرد.

د) اشتراک، داشتن ارتباط یا همدستی در ارتکاب جرم و اقدام به آن و تشویق، تسهیل یا مشوره‌دهی: بر اساس این فراز از قانون، قانونگذار افغانستان با الهام و بهره‌گیری از کنوانسیون‌های (کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو و کنواسیون مریدا) سازمان ملل که در فوق ذکر شد، شرکت، معاونت و شروع به جرم پول‌شویی را در حکم مباشر و فاعل جرم قرار داده است.^۱ به عبارت دیگر هر چند مواد ۳۰، ۴۱ و ۴۹ قانون جزای افغانستان به ترتیب به تعیین مجازات‌های شروع به جرم، شرکت و اتفاق یا همدستی در ارتکاب جرم اختصاص یافته‌اند، اما به نظر می‌رسد که این جزء از فقره ۱ ماده ۴ قانون پول‌شویی مواد متذکره قانون جزا را تخصیص زده باشد و بدین ترتیب در صورت وقوع یکی از موارد فوق در جرم پول‌شویی، از باب تقدیم خاص بر عام این ماده حاکم خواهد بود و مجازات آن‌ها بر اساس قانون جلوگیری از پول‌شویی و عواید ناشی از جرائم تعیین خواهد شد نه قانون جزا. چون در قانون جزای افغانستان معاونت در جرم بیان نگردیده است، از این رو، فقره چهار ماده ۴ قانون پول‌شویی به این مورد اختصاص یافته و آن را چنین بیان می‌دارد:

۱. چنانچه مواد مرتبط به این موضوع در هر سه سند، وین (بند ۲ از بخش ۱ ماده ۳)، پالرمو (بخش ۱ ماده ۶) و مریدا (بخش ۱ ماده ۲۳)، موارد کاملاً مشابهی در مورد تبیین مصادیق پول‌شویی مطرح شده است:

(۱) تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

(۲) مخفی و پنهان کردن ماهیت واقعی، منبع یا مکان، نقل و انتقال، جابه جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

(۳) تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

(۴) مشارکت، همکاری یا تبانی در ارتکاب، شروع، معاونت و هرگونه تسهیل وقوع جرم و مشاوره دادن در مورد چگونگی ارتکاب هریک از موارد بالا (نصیری، ۱۳۹۴: ۴۸).

«شخصی که برای مرتکب تسهیلات، اسباب و وسایل را فراهم نموده و یا مرتکب را تشویق یا مشوره دهد، معاون جرم مذکور محسوب می‌شود». طبق این فقره تشویق، تسهیل و یا مشوره‌دهی از مصداق‌های بارز معاونت در جرم پول‌شویی به شمار می‌رود که مقنن تمامی این موارد را به صراحت جرم‌انگاری نموده است.

۲-۳. عنصر روانی

در جزء یک ماده ۴ قانون پول‌شویی افغانستان عنصر روانی این جرم، این گونه بیان شده است: «شخص در حالات آتی با داشتن علم، اطلاع یا شک در مورد این که وجوه و دارایی، عواید ناشی از جرم بوده، مرتکب جرم پول‌شویی شناخته می‌شود...». طوری که ملاحظه می‌شود قانونگذار با آگاهی از این مسئله که اثبات و احراز علم مرتکب به مجرمانه بودن عواید ناشی از ارتکاب جرم، سخت و دشوار است، حوزه عنصر روانی این جرم را توسعه داده علاوه بر علم و اطلاع، شک به مجرمانه بودن وجوه و دارایی را نیز جزء از عنصر روانی این جرم قرار داده است. به عبارت دیگر این بخش از فقره بیان‌گر این نکته است که مرتکب نمی‌تواند کوتاهی خود را با توجه به دشواری اثبات و احراز علم، مستند برائت و عدم تعقیب قرار دهد. بر این اساس اثبات علم مرتکب ضرورتی ندارد بلکه شک به مشروعیت منشأ وجوه و دارایی‌ها نیز موجب تحقق این جرم می‌شود. «شک» چنانچه در جزء ۳۱ فقره یک ماده ۳ این قانون بیان شده است: «حالتی است که شخص حقیقی یا حکمی در رابطه به مشروعیت منشأ وجوه و دارایی‌ها مطمئن نباشد». جرم‌انگاری صرف عدم اطمینان به مشروعیت منشأ وجوه و دارایی‌ها از سوی قانونگذار افغانستان، نشان‌دهنده جدی بودن مبارزه با پول‌شویی در این کشور است که حتی اگر تنها شک پول‌شویی وجود داشته باشد، وجود چنین شک در تعقیب و مجازات شخص مرتکب کفایت می‌کند.

بنابراین قصد و هدف مرتکب را می‌توان بدون علم مرتکب از اوضاع و احوال جرم هم کشف نمود. چنانچه در فقره ۲ ماده ۴ قانون پول‌شویی به این موضوع نیز اشاره شده است: «علم، اطلاع یا شک مندرج فقره یک این ماده به حیث عنصر متشکله



جرم از نتایج و شرایط عینی (قرائن) مرتبط به جرم استنباط می‌گردد». از آن‌جا که اثبات علم یکی از مشکل‌ترین مراحل است که به عهده مجریان قانون نهاده شده است، قانونگذار در واقع با بیان این فقره بر پذیرش تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت اشاره کرده است؛ یعنی لازم نیست که مرتکب حتماً به علم، اطلاع و یا شک خود به مجرمانه بودن وجوه و دارایی اعتراف و اقرار نماید، بلکه می‌توان این سه مورد را از شرایط، اوضاع و احوال ارتکاب جرم نیز کشف و احراز نمود. پیامدهای شدید و اهمیت جرم پول‌شویی تا اندازه بوده که با وجود جایگاه بلند اصل براءت کیفری، این اصل در اسناد بین‌المللی نیز محدود شده است (نصیری، ۱۳۹۴: ۵۱). چنانچه بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون وین ۱۹۸۸ بیان می‌دارد: «علم و قصد و یا منظور مرتکب که به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده جرم مشروحه در بند دو این ماده مورد نیاز است از شرایط واقعی عینی قابل کشف و احراز است» (گرایلی، همان: ۶۵).

۳-۳. مجازات‌ها

از آن‌جا که به عقیده «جرمی‌بن‌تام» شخص بزه‌کار یک انسان حسابگری است که سود و زیان ناشی از ارتکاب جرم را نسبت به یکدیگر مقایسه می‌کند، بر عهده قانونگذار است که با توجه به انگیزه و اهداف مرتکبین جرم پول‌شویی و با رعایت سودمندی، مناسب‌ترین مجازات را برای این جرم تعیین کند. در جرم پول‌شویی قوی‌ترین انگیزه‌های ارتکاب این جرم رسیدن به منافع مالی است. از این‌رو تعیین مجازاتی که بتواند به این انگیزه‌ها لطمه جدی وارد کند و از بین ببرد ضروری است. به تعبیر بکاریا «کسی که در صدد است با مال دیگری ثروتمند شود، باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد» (بکاریا، ۱۳۸۶: ۱۰۶). با توجه به اینکه جرم پول‌شویی می‌تواند توسط افراد عادی یا شرکت‌های حقوقی صورت بگیرد، لذا مجازات آنها نیز متفاوت است.

الف) مجازات اشخاص حقیقی

قانونگذار افغانستان علاوه بر ضبط اموال و جزای نقدی با تعیین سایر ضمانت‌اجراها و مجازات‌های دیگر مانند زندان، مصادره اموال، ممنوعیت برخی از فعالیت‌های

تجارتی، انحلال شرکت و نشر حکم از طریق رسانه‌های جمعی برای مرتکبین پول‌شویی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، یک سیاست کیفری سختگیرانه را در قبال پول‌شویی اتخاذ کرده است. قانونگذار افغانستان به منظور دستیابی به دلایل بیشتر مبنی بر ارتکاب پول‌شویی، انجماد حسابات و معاملات را نیز در قانون پول‌شویی پیش‌بینی نموده است. چنانچه در فقره یک ماده ۳۷ این قانون آمده است: «مرکز تحلیل معاملات و راپورهای مالی به اساس دلایل موجه می‌تواند، نظر به اهمیت و استعجالیت موضوع، امر انجماد وجوه و دارایی‌ها و معامله را برای مدتی که از ده روز کاری بیشتر نباشد، صادر و موضوع را بلاوقفه به مالک وجوه و دارایی‌ها و مرجع راپوردهنده ابلاغ نماید». بر اساس جزء ده فقره یک ماده ۳ این قانون، انجماد عبارت است از: «به تعویق انداختن موقتی اجرای یک معامله یا توقف موقتی وجوه یا دارایی است از انتقال، تغییر، تبدیل، فروش، واگذاری و جابجایی آن به همان حالت موجود توسط مرجع ذیصلاح مطابق احکام قانون». پس انجماد معامله یا وجوه و دارایی‌ها در صورت موجودیت دلایل موجه مبنی بر ارتکاب جرم پول‌شویی، تمویل تروریزم یا جرم اصلی، ممکن است منجر به ضبط و مصادره اموال و دارایی‌های مرتبط با جرم گردد که این دو مورد اخیر نیز در قانون پول‌شویی افغانستان مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از مواردی که در قانون پول‌شویی افغانستان به تفصیل به آن پرداخته شده است «مصادره وجوه و دارایی‌ها» است چنانچه در ماده ۳۹ این قانون آمده است: «وجوه یا درایی‌های ذیل در صورت محکومیت شخص به ارتکاب یا اقدام به ارتکاب جرم پول‌شویی، تمویل تروریزم یا جرم اصلی، از طرف محکمه ذیصلاح مصادره می‌گردد: عواید ناشی از جرم به شمول وجوه یا دارایی‌های که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم از عواید جرمی بدست آمده یا با چنین عایدات مخلوط یا از آن مشتق گردیده و یا از تبادل آن بدست آمده باشد؛ وسایل و امکاناتی که در ارتکاب جرم پول‌شویی، تمویل تروریزم یا جرم اصلی مورد استفاده قرار گرفته باشد یا قصد استفاده از آن‌ها برای این منظور وجود داشته است؛ وجوه یا درایی‌هایی که عواید



ناشی از جرم بوده و دارایی که به منظور ارتکاب جرائم مندرج در قانون جلوگیری از تمویل تروریسم استفاده شده یا قصد استفاده آن موجود بوده یا برای ارتکاب آن‌ها اختصاص یافته است. ...».

چنانچه ملاحظه می‌شود قانون‌گذار تنها به انجماد و ضبط وجوه و دارایی‌های ناشی از جرم اکتفا نکرده است، بلکه به منظور بازدارندگی بیشتر مجازات‌ها، مصادره وجوه و دارایی‌های منجمد یا ضبط شده را نیز در قانون پیش‌بینی نموده است. مصادره که پس از محکومیت شخص به ارتکاب و یا اقدام به جرم پول‌شویی توسط محکمه صورت می‌گیرد، برخلاف ضبط که امید بازگشت وجود دارد، در مصادره خارج شدن دائمی اموال از تصرف مالک و همراه با سلب مالکیت از مالک می‌باشد. تفاوتی که در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران و افغانستان دیده می‌شود، سکوت قانونگذار ایرانی در مورد انجماد یا توقیف موقتی اموال ناشی از جرم و مصادره آن‌ها است و در این قانون تنها به استرداد درآمد و عواید ناشی از ارتکاب جرم و ضبط آن‌ها در صورتی که به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، بسنده شده است.

در قانون پول‌شویی افغانستان، مجازات زندان نیز برای مرتکبین این جرم مقرر شده است. چنانچه در فقره یک ماده ۵۲ این قانون مقرر شده است: «مرتکب جرم پول‌شویی حسب احوال به جزای حبس که مدت آن از دو سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار افغانی کمتر و از (۵۰۰۰۰۰۰) پنج میلیون افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد». قانون‌گذار افغانستان به پیروی از اسناد بین‌المللی و سایر کشورهای که این جرم را مهم تلقی می‌نمایند، ضمانت‌اجرای سنگینی برای آن در نظر گرفته است. همان طوری که ملاحظه می‌شود طبق این ماده به قاضی محکمه نیز اختیار زیادی در تعیین مجازات برای مرتکبین پول‌شویی داده شده است که ممکن است این وسعت دامنه اختیار قاضی و مقید نبودن آن به ضوابط دقیق، موجب تشتت آراء محاکم گردیده و به استبداد قضایی بینجامد. ولی از آن‌جا که ممکن است موضوع جرم ارتكابی ارزش کمتر یا بیشتری داشته باشد، اختیار قاضی تا حدودی قابل توجیه به نظر می‌رسد؛ چرا که بتواند با توجه به وضعیت مرتکب

و ارزش جرم ارتكابی در مقام انشاء حكم، مجازات مناسبی برای آن در نظر بگیرد.

ب) مجازات اشخاص حقوقی

به طور کلی در حقوق جزای افغانستان جدای از مسئله پول‌شویی، مسئولیت اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است ولی بر اساس بند ۲ ماده ۹۶ قانون جزای افغانستان «محکمه نمی‌تواند شخصی حکمی را به غیر از جزای نقدی، مصادره و تدابیر امنیتی پیش‌بینی شده در این قانون محکوم نماید». قانونگذار افغانستان در قانون جلوگیری از پول‌شویی و عواید ناشی از جرم، مجازات اشخاص حقوقی و حقیقی را به تفکیک بیان نموده است. چنانچه ماده پنجاهم این قانون با چهار فقره‌اش به تبیین و تقریر مجازات اشخاص حکمی (حقوقی) اختصاص داده شده است. بر اساس فقره ۱ این ماده «هرگاه جرم پول‌شویی توسط کارکن یا نماینده قانونی شخص حکمی ارتکاب گردیده باشد، شخص حکمی حسب ذیل مورد مجازات قرار می‌گیرد: ۱- در صورتی تثبیت مقدار وجوه، منفعت حاصله و ارزش دارایی که تطهیر شده یا قصد تطهیر آن وجود داشته است، حسب احوال شخص حکمی (حقوقی) به جزای نقدی معادل ارزش وجوه، منفعت حاصله یا ارزش دارایی مذکور محکوم می‌گردد؛ ۲- در صورت عدم تثبیت مقدار وجوه، منفعت حاصله و ارزش دارایی که تطهیر شده یا قصد تطهیر آن وجود داشته است، حسب احوال به جزای نقدی که از (۵۰۰۰۰۰۰) پنج میلیون افغانی کمتر و از (۱۵۰۰۰۰۰۰) پانزده میلیون افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد».

لازم به ذکر است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها به جزای نقدی اکتفا نشده است بلکه بر اساس جزء ۲ این ماده، شخص حکمی علاوه بر مجازاتی که در فوق ذکر شد به جزاهای آتی نیز محکوم شده می‌تواند: «ممنوعیت از پیشبرد عرصه‌های معین فعالیت‌های تجارتي به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای مدتی که بیش از پنج سال نباشد؛ انحلال شرکت، در صورتی که به منظور ارتکاب جرم پول‌شویی ایجاد شده باشد یا اجازه استفاده از ساختمان‌ها و دارایی‌های مربوط را برای چنین هدفی اعطاء نموده باشد؛ نشر حکم از طریق رسانه‌های همگانی».



البته قابل ذکر است که تعمیم این مجازات مانع تطبیق مجازات بالای اشخاص حقیقی منسوب به شخص حکمی نمی‌گردد چنانچه این مسئله در ذیل جزء ۲ این ماده نیز ذکر شده است. همچنین در بند ۴ ماده ۹۶ قانون جزا هم آمده است که «محکومیت شخص حکمی به ترتیب فوق مانع تطبیق جزاهای پیش‌بینی شده این قانون در مورد شخص حقیقی مرتکب جرم نمی‌گردد». مسئله دیگر این‌که مجازات اشخاص حقوقی در قانون پول‌شویی منحصر در موارد فوق نیست بلکه ضمانت‌اجراهای دیگری نیز غیر از موارد فوق برای اشخاص حقوقی در صورت عدم رعایت قانون و یا عدم انجام تکالیف قانونی، مقرر شده است که برای رعایت اختصار به بیان این مقدار بسنده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی قوانین جزایی افغانستان مربوط به مهم‌ترین جرائم اقتصادی در این کشور از قبیل رشوه، پول‌شویی و احتکار، می‌توان به این نتیجه دست یافت که گرچه قانونگذار در قانون جزای جدید افغانستان سعی کرده است تا ضمن توصیف و تبیین جرائم به تعیین عناوین مجرمانه در هر مورد به طور جداگانه نیز پردازد، اما با این حال اشکالات وارده در نحوه تعیین عناوین به طور کل و جرائم اقتصادی به طور خاص کم نیست. به طور مثال در فقره ۲ ماده ۸۰۰ قانون جزای جدید در مورد احتکار، مواد اولیه مصرفی و ارتزاقی مورد نیاز عامه تنها به گندم، آرد، برنج، شکر، روغن‌های غذایی و مواد محروقاتی نفتی و گاز مایع حصر شده است. حال آن‌که منحصر کردن مواد ضروری و مورد نیاز عامه را به موارد ذکر شده در قانون درست نیست؛ بلکه بهتر آن بود که قانونگذار تمام نیازمندی‌های اساسی مردم را اعم از خوردنی، آشامیدنی، پوشاکی، سوخت، دارو و مسکن را که برای مصرف جامعه ضرورت دارد مشمول این حکم می‌کرد. و در صورتی که شخصی اعم از حقیقی و یا حقوقی به قصد سودجویی مبادرت به پنهان کردن و یا امتناع از عرضه آنها در بازار می‌نمود به حیث محتکر با او برخورد می‌شد و مجازات می‌گردید.



و همین‌طور در ماده ۳۷۰ کود جزا در مورد جرم رشوه، قانون‌گذار در این ماده پیشکش منفعت نامشروع و یا قبول آن را جرم رشوه تلقی نموده و مرتکب آن را مطابق مقررات کیفری این جرم قابل مجازات دانسته است. در حالی که به کاربرد عبارت «منفعت نامشروع» در این فقره کمی مبهم به نظر می‌رسد و معلوم نیست که قاضی رسیدگی کننده به این جرم حین رسیدگی چه رویه را در پیش می‌گیرد. اگر منظور قانونگذار از منفعت هر نوع امتیاز خلاف قانون و بی‌مورد باشد، کلیه امتیازات غیر مادی از قبیل ورود به مدرسه، دانشگاه و ... مشمول این ماده قانونی خواهد بود و در غیر این صورت، موارد یادشده را مشمول این جرم دانستن نیازمند توجیه علمی و حقوقی است.



فهرست منابع:

۱. بخشی، ع، (۱۳۹۱)، راه‌حل‌های مبارزه با فساد مالی از نظر اسلام چیست؟، قابل دسترس در: <http://www.vaezoon.ir>
۲. بکاریا، س، (۱۳۸۶)، رساله جرائم و مجازاته، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: نشر میزان.
۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، مدرس، دوره ۴، شماره چهارم، صص ۵۲-۳۵.
۴. رهبر، ف. و میرزاوند، ف، (۱۳۸۷)، پولشویی، روش‌های مقابله با آن، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۵. گرایلی، م. ب، (۱۳۸۹)، پولشویی از منظر فقه و حقوق موضوعه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. موسوی مقدم، م، (۱۳۸۶)، پول‌شویی، قم: دادگستری کل استان قم.
۷. مهدوی‌پور، ا، (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: نشر میزان.
۸. میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، محمود، (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، ۱۹۹-۱۶۷.
۹. نصیری، م، (۱۳۹۴)، «سازوکارهای کنترل پول‌شویی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران»، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۴۱-۶۰.
۱۰. نظری نژاد، محمدرضا و اسفندیاری، علی، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، صص ۲۱۵-۱۹۱.